

راهکارهای قانونی در برابر نقض تعهدات قراردادی

شاید تاکنون برایتان اتفاق افتاده باشد که با شخصی قراردادی منعقد کرده باشید و او طبق این قرارداد متعهد شده باشد که در مهلتی مقرر، کاری را انجام دهد، اما با نقض تعهد قراردادی، شما را با مشکلاتی مواجه کرده باشد. به راستی چاره چیست و چه باید کرد؟



شاید تاکنون برایتان اتفاق افتاده باشد که با شخصی قراردادی منعقد کرده باشید و او طبق این قرارداد متعهد شده باشد که در مهلتی مقرر، کاری را انجام دهد، اما با نقض تعهد قراردادی، شما را با مشکلاتی مواجه کرده باشد. به راستی چاره چیست و چه باید کرد؟

به گزارش «تابناک» تعهداتی که برای اشخاص جامعه می تواند به وجود آید، دو دسته اند: تعهدات قانونی و تعهدات قراردادی. همان طور که از عنوان این دو نوع تعهد برمی آید، برخی از این تعهدات دارای منشأ قانونی بوده و برخی دیگر دارای منشأ قراردادی است.

حال اگر دو نفر در قالب قرارداد با هم توافق کنند و براساس این توافق تعهداتی برای هر یک از آن ها به وجود آید، ولی یکی از طرفین از انجام و اجرای این تعهدات خودداری کند، طرف دیگر قرارداد چه اقدامی می تواند انجام دهد؟

به عنوان نمونه فرض کنید که شخص الف، تعهد می کند که ظرف مدت یک ماه یک هزار دستگاه تلویزیون از گمرک ترخیص کرده و در تهران به شخص ب، تحویل دهد. این یک ماه سپری می شود، ولی آقای الف، حتی یک دستگاه تلویزیون را هم به آقای ب، تحویل نمی دهد. حال آقای ب، چه اقدامی می تواند انجام دهد؟

انواع دعاوی ناشی از نقض تعهدات قراردادی

هنگامی که یکی از طرفین قرارداد، به تعهدی که طبق قرارداد برای او به وجود آمده است عمل نمی کند، طرف مقابل می تواند یکی از دو اقدام زیر را انجام دهد: الف) دعوای الزام به اجرای اصل تعهد قراردادی را اقامه کند؛ یعنی در همین فرض آقای ب، دعوایی را مطرح کند تا دادگاه آقای الف، را به تحویل یک هزار دستگاه تلویزیون ملزم کند.

ب) دعوای الزام به پرداخت خسارت ناشی از نقض تعهد را اقامه کند؛ یعنی آقای ب، از اجرای اصل تعهد یعنی تحویل یک هزار دستگاه تلویزیون بگذرد و به جای آن خسارتی را که در اثر نقض این تعهد به او وارد شده است، مطالبه کند.

دعوای الزام به اجرای اصل تعهد قراردادی

در صورت طرح دعوای الزام به اجرای اصل تعهد قراردادی، مدعی یا اقامه کننده دعوا باید اثبات کند که اولاً یک رابطه قراردادی میان او و شخصی که دعوا را علیه او طرح کرده (خوانده)، وجود داشته است.

خواهان دعوا برای اثبات وجود این رابطه قراردادی باید ادله خود همچون شهود یا سند را به دادگاه ارایه دهد. ثانیاً طرف مقابل به موجب این قرارداد ملزم به انجام یا ترک کاری بوده و طبق شرایط الزام او به انجام این تعهد امکان پذیر بوده است؛ بنابراین اگر در همین فرضی که ذکر شد، پس از انعقاد قرارداد میان شخص الف، و ب، در مورد تحویل یک هزار دستگاه تلویزیون دولت ورود آن را به صورت دائمی منع کند، الزام شخص الف، به انجام این تعهد قراردادی امکان پذیر نیست.

ثالثاً مدتی که برای اجرای این تعهد مقرر شده بود، منقضی شده و طرف مقابل به تعهد خود عمل نکرده است. البته باید توجه داشت که مهلت لازم برای اجرای تعهد قراردادی گاهی در آن ذکر می شود و گاه نیز ذکر نمی شود، ولی عرفاً می توان آن را تعیین کرد.

مانند اینکه شخصی در یک قرارداد متعهد به حرس کردن درختان یک باغ شود، ولی زمان آن مشخص نشده باشد که در این صورت عرف مهلت آن را اسفند ماه می داند.

برای تشخیص نقض تعهد قراردادی نیز باید کارشناسی یا معاینه محل صورت بگیرد، زیرا ممکن است خوانده به راحتی به

نقض تعهد قراردادی اقرار نکند و ادعا داشته باشد که به تعهد خود عمل کرده است یا اینکه بخواهد از خود در برابر ادعا های خواهان دفاع کند.

در صورت وجود عناصر سه گانه فوق، قاضی با تعیین مهلتی که از آن به «مهلت قضایی» تعبیر می شود، به شخص متعهد که از انجام تعهد خود سر باز زده است، مهلت می دهد به تعهد خود عمل کند.

با این حال برخلاف این قراردادها در برخی از قرارداد های دیگر زمان اجرای قرارداد بسیار اهمیت دارد؛ به گونه ای که اگر متعهد در مهلت مقرر در قرارداد به تعهد خود عمل نکند، به طور کلی موضوع قرارداد از بین می رود و دیگر نمی توان دعوای الزام به اجرای قرارداد را مطرح کرد.

به عنوان نمونه فرض کنید شخصی که رستوران دارد تعهد می کند که شام عروسی شخص دیگری را تهیه کند، اما به تعهد خود عمل نمی کند و مراسم عروسی نیز به نحوی به اتمام می رسد.

در اینجا شخصی که مراسم عروسی داشته نمی تواند دعوای الزام به اجرای اصل تعهد قراردادی را علیه شخص متعهد (رستوران دار) مطرح کند، زیرا قرارداد با اتمام مراسم ازدواج موضوع خود را از دست داده است.

برای اینکه مشخص شود کدام یک از تعهدات قراردادی دارای این ویژگی است که با انجام نشدن در مهلت خاصی موضوع قرارداد اهمیت خود را از دست می دهند، ملاک های مختلفی می تواند مورد استفاده قرار گیرد که رجوع به عرف و همچنین قصد مشترک طرفین از مهمترین آن ها است.

دعوای مطالبه خسارت قراردادی

دعوای مطالبه خسارت قراردادی نیز از دعوای الزام است؛ با این تفاوت که در این نوع از دعوای الزام، پرداخت خسارت ناشی از نقض قرارداد مورد مطالبه قرار می گیرد.

شخصی که این دعوا را طرح می کند، ممکن است یکی از موارد زیر را مطالبه کند:

الف) خسارت تأخیر در اجرای تعهد قراردادی: در صورتی که مهلت تعیین شده برای اجرای تعهدات قراردادی سپری شود و متعهد به تعهد قراردادی خود عمل نکند، خواهان (ذی نفع) می تواند دعوای الزام به انجام تعهد قراردادی را مطرح کرده و در عین حال، خسارت تأخیر در اجرای تعهد قراردادی را نیز مطالبه کند یا این که با انصراف از دعوای الزام، صرفاً خسارتی را که به علت تأخیر در اجرای تعهد قراردادی متحمل شده است، مطالبه کند.

ب) خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد قراردادی: خواهان نمی تواند هم خسارت عدم اجرای تعهد قراردادی را مطالبه کرده و هم، الزام متعهد به اجرای تعهد قراردادی را بخواهد.

در واقع، هنگامی که ذی نفع خسارت عدم اجرای تعهد قراردادی را مطالبه می کند، این خسارت جایگزین تعهد اصلی می شود. با این حال باید توجه داشت که خواهان نمی تواند به محض به اتمام رسیدن مهلت اجرای تعهد قراردادی، به دادگاه مراجعه کرده و از دادگاه بخواهد که متعهد را ملزم به پرداخت خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد قراردادی کند. بلکه در این حالت باید تمامی راه های پیش بینی شده در قانون را به کار بگیرد تا به هر نحوی بتواند الزام به اجرای اصل تعهد را بخواهد و اگر تعهد قابل اجرا نبود، خواهان (ذی نفع) حق بر هم زدن قرارداد را پیدا می کند. وقتی قرارداد بر هم بخورد، اصل قرارداد هم منحل می شود و با انحلال اصل قرارداد، خواهان می تواند خسارت عدم اجرای قرارداد را مطالبه کند؛ بنابراین دادگاه باید عدم قابلیت الزام به اجرای تعهد اصلی را احراز کند.